

پذیرش دانش آموزان دارای اختلالات شنیداری توسط همسالان در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی (عادی) شهر تهران

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر به منظور تعیین میزان پذیرش دانش آموزان دارای اختلال شنیداری توسط دانش آموزان عادی در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی (عادی) انجام شده است. تحقیقات گوناگون نشان داده‌اند عامل پذیرش دانش آموزان استثنایی توسط دانش آموزان عادی در موفقیت برنامه های تلفیقی یا فراگیرسازی (Inclusion) موثر می باشد.

مواد و روش تحقیق:

روش پژوهش در این تحقیق زمینه یابی می باشد و برای توصیف میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا از پرسشنامه (Acceptance Scale) استفاده شده است. نمونه های تحقیق شامل ۳۲۳ دانش آموز عادی دختر

وپسر کلاسهای سوم ، چهارم و پنجم دبستانهای تهران بودند که همکلاسی دارای اختلال شنوایی داشتند . این نمونه ها بطور تصادفی از مناطق پنج گانه تهران انتخاب گشتند. همچنین این پژوهش یک نمونه ۶۵ نفری از دانش آموزان همین مقاطع تحصیلی را در مدارس غیر تلفیقی جهت مقایسه مورد بررسی قرار داد . برای بررسی پایایی یا اعتبار، پایایی تقسیم به نصف اسپرمن - براون ۸۲٪+ بود همچنین ضریب آلفا ۷۷٪+ گزارش شد . در روش آزمون مجدد در دو موقعیت به فاصله سه هفته ضریب ثبات ۶۸٪+ بود. در این تحقیق تاثیر جنسیت و نوع مدرسه (تلفیقی ، غیر تلفیقی یا عادی) بر میزان پذیرش دانش آموزان دارای اختلال شنیداری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها:

یافته های پژوهش در زمینه عامل جنسیت نشان داد که در مدارس تلفیقی پذیرش دانش آموزان پسر بیشتر از دختران است و در مورد مقایسه میزان پذیرش در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی (عادی)، نتایج نشان دهنده میزان پذیرش بالاتر در مدارس تلفیقی می باشد .

بحث و نتیجه گیری:

همانطور که از نتایج پیداست دانش آموزان نیمه شنوای مدارس تلفیقی از میزان پذیرش بالاتری توسط همکلاسیها برخوردارند. این برتری در مدارس تلفیقی بیانگر این واقعیت است که تجربه تماس و آشنایی با کودکی که نیازهای ویژه دارد می تواند بر پذیرفته شدن این دانش آموزان توسط دانش آموزان عادی اثر گذار باشد. محدودیتهای این پژوهش و کم بودن پژوهشها در این زمینه ضرورت پژوهشهای بیشتر بخصوص در زمینه مداخلات مناسب جهت افزایش پذیرش را آشکار می سازد.

کلید واژه ها : کودک استثنایی ، کودک دارای اختلالات شنیداری (نیمه شنوا)، فراگیر سازی، پذیرش ، مدارس تلفیقی ، اختلالات شنیداری .

نرگس ادیب سرشکی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش استثنایی

دکتر یگانه صالحپور

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در تمام دنیا همواره بخش قابل توجهی از کودکان بر اثر عوامل ژنتیکی ، مسایل ومشکلات دوران جنینی، آسیبهای زمان تولد وبیماریها وحوادث بعد از تولد دچار نقیصه هایی در ذهن ، جسم وحواس خود می شوند که بر حسب نوع وشدت این نقیصه ها کودکان مزبور نیازمند برخورداری از امکانات وخدمات ویژه برای ادامه زیست و رشد خود می باشند . در گذشته موسسات شبانه روزی در طی ساعات شبانه روز علاوه بر مراجعت وپرستاری ، انواع خدمات توانبخشی وآموزشی را در اختیار کودکان دارای معلولیت ذهنی ، حرکتی ، بینایی وشنوایی قرار می دادند . نتایج تحقیقات سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ مبین ضعفها در این شیوه حمایت از معلولین بود . مطالعات حاکی از این بود که جدا سازی کودکان دارای معلولیت نه تنها آنان را در جنبه های شناختی و عاطفی

دچار مشکلات عدیده ای می سازد بلکه قدرت تطابق و سازگاری با محیط را در فرد با معلولیت پرورش نمی دهد. بنابر این سعی شد نگرشهای جدید جایگزین دیدگاه قبلی گردد و در این روند حرکت‌های عادی سازی، یکپارچه سازی و فراگیر سازی بوجود آید تا فردی که معلولیت دارد از جامعه و خانواده جدا نشده، حتی المقدور از امکانات و خدمات در بطن جامعه استفاده کند.

اصلی ترین هدفی که تلفیق یا فراگیر سازی دنبال می کند ایجاد امکان ارتباط متقابل بین افراد عادی با افراد دارای معلولیت و از بین بردن فاصله بین معلولین و جامعه است. در این راستا، مدارس تلفیقی نیز فرصت تحصیل را برای دانش آموز دارای معلولیت در کنار دانش آموز عادی و در محیطی با حداقل محدودیت فراهم می آورند. سوالی که در این رابطه مطرح می گردد این است که برنامه ریزی آموزشی در این مدارس باید چه عواملی را جهت موفقیت این تجربه مد نظر قرار دهد؟ مطالعات بسیاری عوامل موثر بر موفقیت برنامه های تلفیقی را مورد بررسی قرار داده اند و عامل پذیرش دانش آموزان استثنایی توسط دانش آموزان عادی را از جمله عوامل مهم در این تجربه یافته اند (۳)

پذیرش اجتماعی، عامل مهمی در برقراری ارتباط و ادامه آن می باشد. گاهی افراد گنجیدن یا مناسب بودن برای زمینه ای را با پذیرش که از طرف دوستان دریافت می کنند می سنجند. (۴) پذیرش اجتماعی اساس رشد و توسعه دوستی، فراگیر سازی اجتماعی، و برگرداندن کلیشه های منفی شناخته شده است. تئوریه‌ها و نظریه های روانشناختی و روانشناسی اجتماعی به نوعی به عامل پذیرش می پردازند. (۵) فرضیه ای دارد که انسانها معمولا جایگاه خود را در ارتباط با افراد مورد علاقه شان ارزیابی می کنند. میزان اهمیت مقایسات درون گروهی بستگی به این دارد که فرد عقیده یا توانایی مورد نظر خود را با فرد مورد علاقه اش مشترک ببیند. بنابر این جذب و پذیرش دوستان بر اساس شناخت شباهت ها است.

با مروری بر نظریات روانشناسی اجتماعی، (۶) جایگاه و نقش فرد را در گروه و در نتیجه انتظارات بالقوه اعضا را از فرد در این جایگاه عامل تعیین کننده تری در چگونگی پذیرش می داند. بر اساس این دیدگاه، تفاوت‌های کیفی دانش آموزان تلفیقی با معلولیت‌های شدید موجب ایجاد جایگاه خاصی برای آنان در گروه دانش آموزان عادی گردیده است. انتظارات متناسب با این جایگاه از طرف دانش آموزان عادی موجب می گردد که رفتارهای غیر عادی دانش آموز استثنایی مورد بخشش قرار گرفته و در نتیجه وی در جایگاه خاص خود، عضوی پذیرفته شده در گروه تلفیقی باشد.

نظریه یادگیری اجتماعی (۷) بر اهمیت مشاهده و الگو قرار دادن رفتارها، نگرشها و واکنشهای دیگران تکیه دارد. این نظریه رفتار انسان را بر اساس روابط متقابل بین تاثیرات شناختی، رفتاری و محیطی توضیح می دهد. بر طبق این دیدگاه طرفداران راهبردهای تلفیقی بر این باورند که تعاملات مبتنی بر پذیرش در محیط های تلفیقی می تواند بعنوان الگوهای آموزشی عمل کرده و در تغییر نگرش و عملکرد جامعه اثر مثبت داشته باشند. نظریه

یکپارچه سازی اجتماعی هم به اهمیت پذیرش اشاره کرده و یکپارچه سازی اجتماعی را رسیدن به احساس تعلق که بوسیله پذیرش توسط دیگران و مشارکت مساوی در فعالیتهای با ارزش بوجود می آید، می داند (۸). مطالعات بسیاری در زمینه پذیرش دانش آموزان استثنایی توسط همکلاسیهای عادی آنان انجام شده است. (۹) تحقیقی را در مورد پذیرش دانش آموزان ناشنوا توسط دانش آموزان شنوا در کلاسهای عادی ۲۲ مدرسه اسپانیا انجام داده است. نتایج نشان می دهد دانش آموزان ناشنوا از نظر اجتماعی توسط همکلاسیهای خود به خوبی پذیرفته می شوند. بطور کلی دانش آموزان شنوا یا عادی احساس می کردند که به دانش آموزان ناشنوا بعد از رفتن به مدارس ویژه باید نگاه بهتری داشت، همچنین دانش آموزان دختر شنوا حمایت قویتری نسبت به دانش آموزان ناشنوا تلفیق شده داشتند و معتقد بودند رفتن دانش آموزان ناشنوا به کلاس عادی به آنها اجازه می دهد بیشتر یاد بگیرند.

خانم توکلی (۱۳۷۸) نیز مطالعه ای در مورد مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دچار نقص شنوایی در سیستم مدارس تلفیقی و مدارس خاص (مدارس استثنایی) انجام داده و به این مطلب اشاره نموده که تلفیق باعث ملاقات و کنش و واکنش بین دانش آموزان استثنایی و عادی می گردد و نگرش افراد عادی بطور واقع بینانه شکل می گیرد و در جهت مثبت تغییر می کند. همچنین از عوامل مهم در این رابطه (پیشرفت تحصیلی) پذیرش دانسته شده است.

مفهوم پذیرش معلولیت در محیط های آموزشی موضوع مطالعه پژوهشگران در تحقیقات دیگری نیز بوده است. مقایسه نگرشها در مورد پذیرش معلولیت در بین دانش آموزان مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی نشانگر این است که دختران پذیرش بیشتری از پسران نسبت به دانش آموزان دارای معلولیت شدید دارند. علاوه بر این گروهی که با دانش آموزان دارای معلولیت در یک مدرسه هستند میزان پذیرش بالاتری دارند (۱۰).

نتایج تحقیق خانم کاووسی (۱۳۷۷) که در دبیرستانهای تلفیقی مشهد انجام شده حاکی از آن است که دانش آموزان عادی عقیده دارند دوستی با دانش آموز دارای معلولیت شدید امکان پذیر است. هنگامی که دانش آموزان استثنایی بطور پاره وقت و تمام وقت در کلاسهای عادی هستند این دوستی ها بیشتر می شود.

پژوهش حاضر سعی کرده میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا توسط دانش آموزان عادی را با توجه به جنسیت در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی (عادی) شهر تهران بررسی کند.

مواد و روش تحقیق:

روش پژوهش در این تحقیق زمینه یابی می باشد. با اجرای پرسشنامه Acceptance Scale به توصیف میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا توسط همکلاسیهای عادی پرداخته ایم.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان کلاسهای سوم، چهارم و پنجم ابتدایی مدارس تلفیقی شهر تهران می باشد که در کلاسشان دانش آموزان استثنایی با اختلالات شنیداری، حضور دارند.

نمونه آماری در این پژوهش شامل ۳۲۳ دانش آموز عادی که همکلاسی نیمه شنا دارند می شود. تعداد دختران و پسران در این نمونه به ترتیب ۱۶۳ و ۱۶۰ می باشد. ضمناً به منظور مقایسه با مدارس تلفیقی ۶۵ دانش آموز دختر و پسر از مدارس غیر تلفیقی بطور تصادفی انتخاب شدند.

برای جدول نمونه گیری لیست کلیه دبستانهای تلفیقی دختران و پسران شهر تهران از سازمان آموزش و پرورش استثنایی تهیه گردید. از این مدارس دبستانهایی که دانش آموزان نیمه شنا در کلاسهای سوم و چهارم و پنجم داشتند انتخاب گردید و بر اساس مناطق پنج گانه (شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز) تقسیم بندی گشت. از هر منطقه بطور تصادفی یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه انتخاب شد. در منطقه جنوب به دلیل تعداد زیاد جمعیت مورد نظر، تعداد بیشتری نمونه انتخاب شد.

متغیر مستقل در این پژوهش پذیرش دانش آموز نیمه شنا توسط همکلاسی عادی و متغیرهای وابسته نوع مدرسه (عادی و یا تلفیقی) و جنسیت (همکلاسی پسر و یا دختر) می باشند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش (Acceptance Scale (A-Scale)، بوسیله ولتز (Voeltz, 1980) تهیه شده است. بمنظور اندازه گیری نگرش بچه های غیر معلول نسبت به دوستانی که معلولیت دارند و در کلاس عادی هستند می باشد. این پرسشنامه در سطح بالای دبستان (کلاسهای سوم، چهارم، پنجم) شامل ۳۴ بند یا سوال می باشد که دو بند آن بمنظور غربال (آزمایش درک صحیح توسط پاسخ دهنده) و دو بند دیگر نیز در مورد دوستی و سی بند باقیمانده در مورد پذیرش می باشد. سه انتخاب در پاسخ ها وجود دارد: موافقم، موافق نیستم، و شاید یا مطمئن نیستم. ماسعی کردیم بندهای این پرسشنامه را ترجمه و با تغییراتی آن را با کلمات و اصطلاحات فارسی روان و قابل فهم مناسب استفاده برای بچه های ایرانی در آوریم. برای بررسی اعتبار و روایی، پایایی تقسیم به نصف اسپرمن - براون ۸۲٪ + بود همچنین ضریب آلفا ۷۷٪ + گزارش شد. در روش آزمون مجدد در دو موقعیت به فاصله سه هفته ضریب ثبات ۶۸٪ + بود. پرسشنامه فارسی توسط دانش آموزانی که همکلاسی نیمه شنا تکمیل گردید. اطلاعات بدست آمده پس از کدینک و ورود به رایانه با استفاده از برنامه SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای ارایه اطلاعات از آمارهای توصیفی (درصدهای فراوانی، ماکزیمم، مینیمم، انحراف استاندارد و میانگین) استفاده شده است. در مواردی که مقایسه میزان پذیرش در گروههای مختلف مد نظر بود، معنی داری تفاوتها با استفاده از آزمون ناپارامتری "من ویتنی - Mann (Whitney) انجام گردید.

داده های پژوهش

در این قسمت به توصیف داده های مربوط به متغیرهای پژوهشی پرداخته شده است.

جدول ۱- میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی (عادی)

| عادی | | تلفیقی | | نوع مدرسه | میزان پذیرش |
|------|-------|--------|-------|-----------|-------------|
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | | |
| ۰ | ۰ | ۰/۶ | ۲ | | خیلی ضعیف |
| ۴/۵ | ۳ | ۵/۰ | ۱۶ | | ضعیف |
| ۵۰/۷ | ۳۳ | ۲۷/۲ | ۸۸ | | متوسط |
| ۴۴/۸ | ۲۹ | ۶۱/۰ | ۱۹۷ | | خوب |
| ۰ | ۰ | ۶/۲ | ۲۰ | | خیلی خوب |
| ۱۰۰ | ۶۵ | ۱۰۰ | ۳۲۳ | | جمع |

همانطور که مشاهده می شود میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در مدارس تلفیقی خوب بوده و در واقع ۶۷/۲ درصد از آنان پذیرشی بالاتر از متوسط در حد خوب (۶۱ درصد) و خیلی خوب (۶/۲) داشتند. میزان پذیرش در مدارس غیر تلفیقی (عادی) ۵۰/۷ درصد در حد متوسط و ۴۴/۸ درصد در حد خوب بوده است.

جدول ۲- میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا میان پسران و دختران مدارس تلفیقی

| دختر | | پسر | | جنسیت | میزان پذیرش |
|-------|------|-------|------|-------|-------------|
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | | |
| ۰ | ۰ | ۲ | ۱/۲ | | خیلی ضعیف |
| ۲ | ۱/۳ | ۱۴ | ۸/۶ | | ضعیف |
| ۳۴ | ۲۱/۳ | ۵۴ | ۳۳/۱ | | متوسط |
| ۱۱۳ | ۷۰/۶ | ۸۴ | ۵۱/۵ | | خوب |
| ۱۱ | ۶/۹ | ۹ | ۵/۵ | | خیلی خوب |
| ۱۶۰ | ۱۰۰ | ۱۶۳ | ۱۰۰ | | جمع |
| | | | | | خیلی ضعیف |

همانطور که می بینیم میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا میان پسران مدارس تلفیقی (۷۷/۵ درصد بالاتر از متوسط)، در حد خوب (۷۰/۶ درصد) و خیلی خوب (۶/۹ درصد) است. همچنین میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا میان دختران مدارس تلفیقی ۵۷ درصد بالاتر از حد متوسط (۵۱/۵ درصد در حد خوب و ۵/۵ درصد در حد خیلی خوب) میباشد.

جدول ۳- میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا میان دختران و پسران مدارس غیرتلفیقی (عادی)

| دختر | | پسر | | جنسیت | میزان پذیرش |
|-------|------|-------|------|-------|-------------|
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | | خیلی ضعیف |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | | ضعیف |
| ۲ | ۵/۷ | ۱ | ۳/۳ | | متوسط |
| ۱۸ | ۵۱/۴ | ۱۵ | ۵۰/۰ | | خوب |
| ۱۵ | ۴۲/۹ | ۱۴ | ۴۶/۷ | | خیلی خوب |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | | جمع |
| ۳۵ | ۱۰۰ | ۳۰ | ۱۰۰ | | خیلی ضعیف |

همانطور که از ارقام پیداست میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا میان پسران مدارس غیرتلفیقی (عادی) ۵۰ درصد در حد متوسط و ۴۶/۷ درصد در حد خوب می باشد. میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در میان دختران مدارس غیرتلفیقی (عادی) ۵۱/۴ درصد در حد متوسط و ۴۲/۹ درصد در حد خوب می باشد.

یافته ها:

در این قسمت به تحلیل پرسشهای پژوهش پرداخته می شود.

پرسش اول: آیا میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در مدارس تلفیقی و غیرتلفیقی (عادی) متفاوت است؟

جدول ۱-۲: میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در مدارس تلفیقی و غیرتلفیقی (عادی)

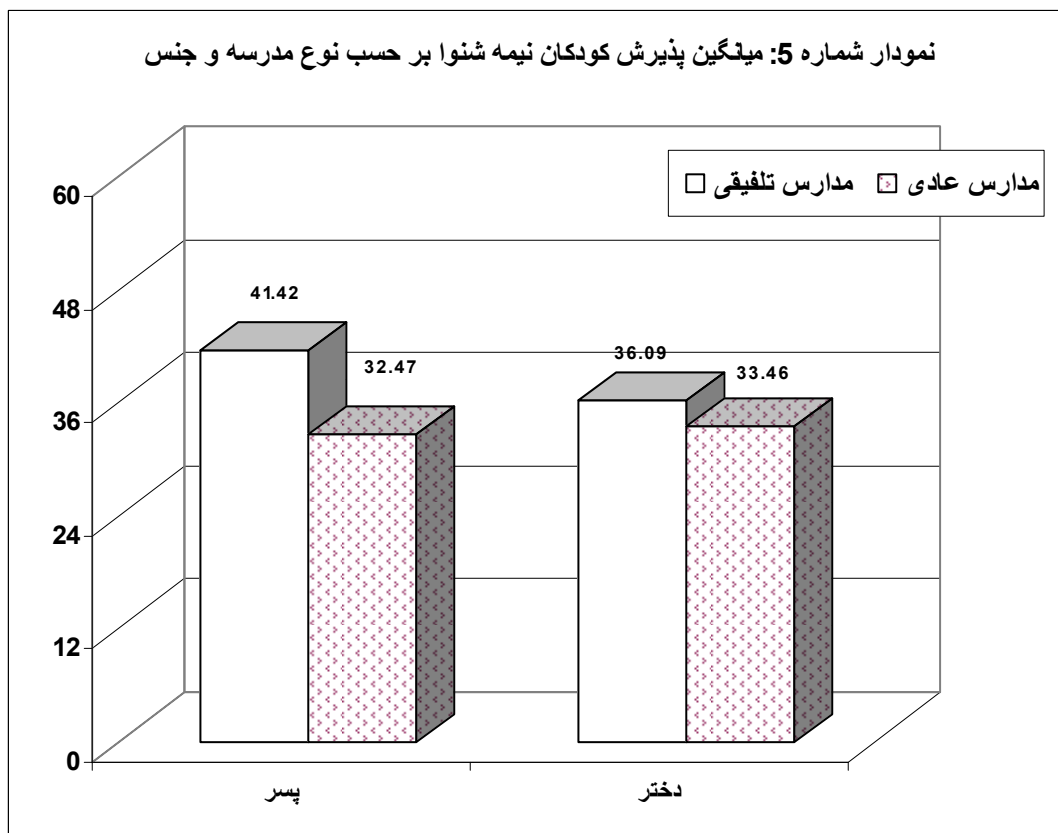
| نوع مدرسه | فراوانی | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف استاندارد (SD) |
|------------|---------|-------|--------|---------|-----------------------|
| تلفیقی | ۳۲۳ | ۳ | ۵۶ | ۳۹/۰۴ | ۷/۸۰ |
| غیر تلفیقی | ۶۵ | ۲۳ | ۴۷ | ۳۶/۴۴ | ۵/۸۴ |

میانگین داده های بدست آمده از میزان پذیرش در مدارس تلفیقی (۳۹/۰۴) و غیر تلفیقی یا عادی (۳۶/۴۴)

نشان دهنده اختلاف بارز در دو مدرسه است. آزمون انجام شده نسبت به میانگین رتبه ها نیز نشان می دهد که

تفاوت بدست آمده در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی دار است.

پرسش دوم: آیا میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در میان دانش آموزان دختر و پسر با توجه به نوع مدرسه متفاوت است؟

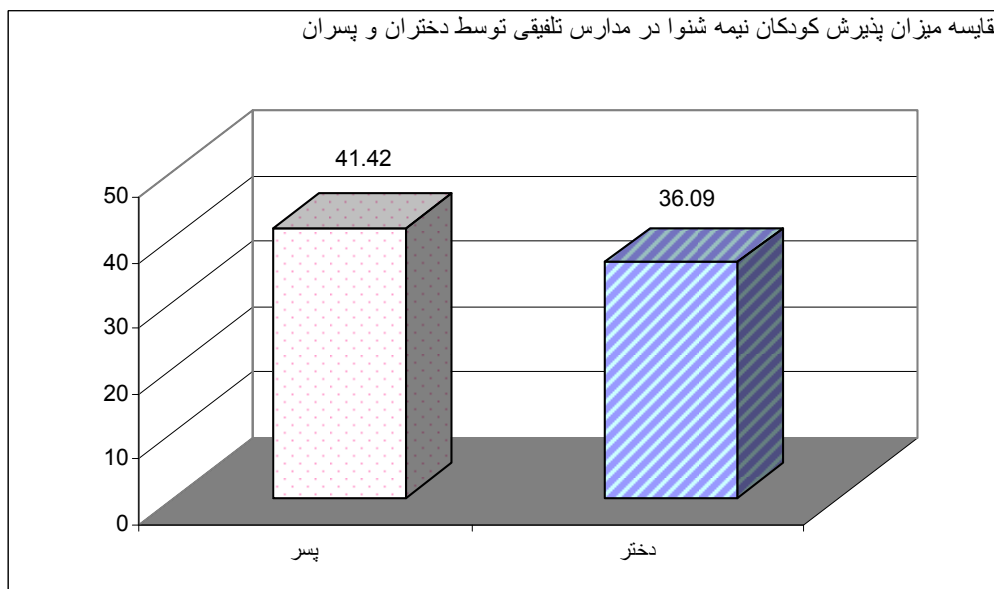


جدول ۲-۲: مقایسه میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا بر حسب جنس و نوع مدرسه

| پسر | | دختر | | آماره ها | جنس |
|--------|--------|--------|--------|------------------|-----|
| عادی | تلفیقی | عادی | تلفیقی | | |
| ۳۰ | ۱۶۰ | ۳۵ | ۱۶۳ | فراوانی | |
| ۲۳ | ۲۰ | ۲۳ | ۳ | حداقل | |
| ۴۷ | ۵۲ | ۴۵ | ۵۶ | حداکثر | |
| ۳۶/۴۰ | ۴۱/۲۲ | ۳۶/۴۸ | ۳۶/۰۹ | میانگین | |
| ۶/۲۷ | ۶/۱۱ | ۵/۵۳ | ۸/۶۶ | انحراف استاندارد | |
| ۶۱/۳۳ | ۱۰۱/۹۱ | ۹۱/۸۷ | ۱۰۱/۱۴ | میانگین رتبه ها | |
| -۳/۷۱۴ | | -۰/۸۶۹ | | آماره آزمون | |
| <۰/۰۰۱ | | ۰/۳۸۵ | | مقدار احتمال | |

میانگین بدست آمده درمیان دختران مدارس تلفیقی (۳۶/۰۹) و غیر تلفیقی یا عادی (۳۶/۴۸) نشان می دهد تفاوت چندانی در پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در دو مدرسه وجود ندارد و نتیجه آزمون نیز تفاوت معنی داری را نشان نمی دهد. اما میانگین میزان پذیرش درمیان پسران مدارس تلفیقی (۴۱/۲۲) بیش از پسران مدارس غیر تلفیقی یا عادی (۳۶/۴) است. آزمون بعمل آمده نیز تفاوت معنی داری را نشان می دهد. بدین معنی که پسران مدارس تلفیقی با توجه به تحصیل در کنار دانش آموزان نیمه شنوا تمایل بیشتری نسبت به دوستی و ارتباط با این گروه داشتند و در مقابل پسران مدارس غیر تلفیقی (عادی) تمایلشان به نزدیکی و معاشرت با دانش آموزان نیمه شنوا کمتر بود. در مجموع میانگین بدست آمده در ارتباط با میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در مدارس تلفیقی هم در میان پسران و هم دختران نسبت به مدارس غیر تلفیقی (عادی) بیشتر است و این اختلاف در گروه پسران بسیار آشکارتر است.

پرسش سوم: آیا میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا درمیان دانش آموزان دختر و پسر مدارس تلفیقی متفاوت است؟

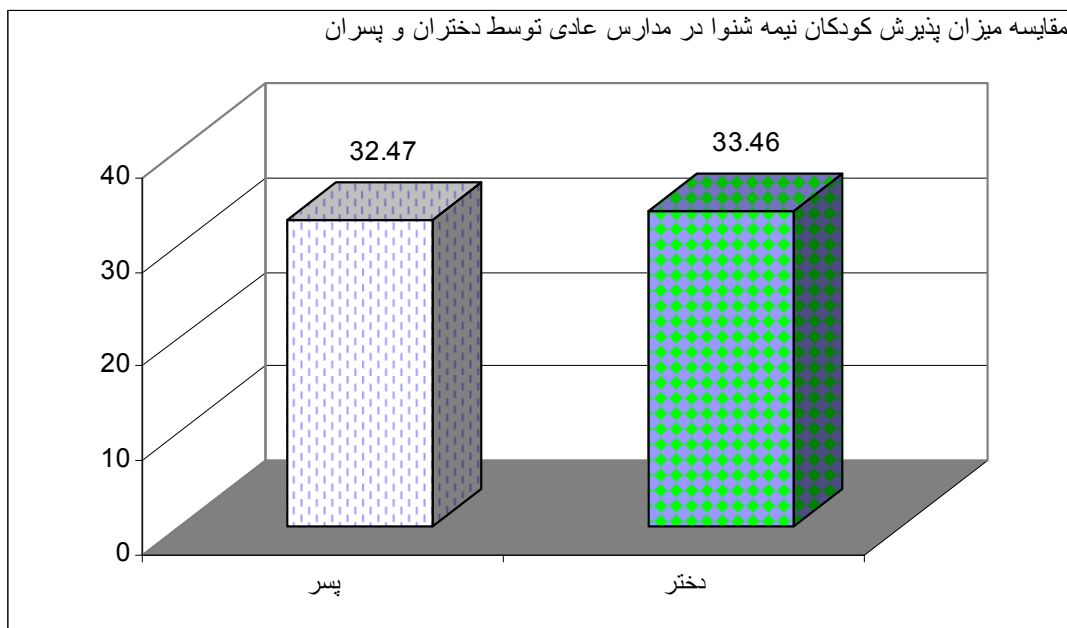


جدول ۲-۳: مقایسه میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا بر حسب جنس در مدارس تلفیقی

| معلولیت | جنس | فراوانی | حداقل | حداکثر | میانگین | SD |
|-----------|------|---------|-------|--------|---------|------|
| نیمه شنوا | پسر | ۱۶۰ | ۲۰ | ۵۲ | ۴۱/۲۲ | ۶/۱۱ |
| | دختر | ۱۶۳ | ۳ | ۵۶ | ۳۶/۰۹ | ۸/۶۶ |

مقایسه میزان بدست آمده در دو گروه پسران و دختران (۴۱/۲۲ و ۳۶/۰۹) نسبت به پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا حاکی از اختلاف بارز در میزان پذیرش است. میزان پذیرش پسران بیشتر از دختران بود. آزمون انجام شده نسبت به میانگین رتبه ها نشان می دهد تفاوت بدست آمده در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی دار است.

پرسش چهارم: آیا میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در میان دختران و پسران مدارس غیرتلفیقی (عادی) متفاوت است؟



جدول ۴-۲: میزان پذیرش دانش آموزان نیمه شنوا در میان دختران و پسران مدارس غیرتلفیقی (عادی)

| معلولیت | جنس | فراوانی | حداقل | حداکثر | میانگین | SD |
|-----------|------|---------|-------|--------|---------|------|
| نیمه شنوا | پسر | ۳۰ | ۲۳ | ۴۷ | ۳۶/۴۰ | ۶/۲۷ |
| | دختر | ۳۵ | ۲۳ | ۴۵ | ۳۶/۴۸ | ۵/۵۳ |

در مدارس غیر تلفیقی (عادی) میانگین مربوط به میزان پذیرش توسط دختران نسبت به دانش آموزان نیمه شنوا (۳۶/۴۸) بیشتر از پسران (۳۶/۴۰) است. میزان پذیرش برای دانش آموزان نیمه شنوا در هر دو جنس در طیف پذیرش خوب قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج حاصل در مورد میزان پذیرش دانش آموزان استثنایی حاکی از این است که دانش آموزان نیمه شنوای مدارس تلفیقی تا میزان بالایی (۶۷/۲ درصد پذیرش) مورد پذیرش همکلاسیهای خود قرار می گیرند. با توجه به این واقعیت که تجربه تلفیق در مدارس ایران در مراحل بسیار ابتدایی خود می باشد و با توجه به نگرش منفی

جامعه نسبت بدین موضوع (نتایج تحقیق ناظری، راهب، افروشه و پناهی ۱۳۷۷) حاکی از نگرش منفی اکثریت مدیران، معلمان و سایر کارکنان مدرسه و همچنین منفی بودن نگرش در اولیا کودکان عادی نسبت به یکپارچه سازی آموزشی است) میزان این پذیرش بیش از حد انتظار می باشد. در عین حال یافته‌های این مطالعه با بخشی از نتایج کمبرا (Cambra, 2000) همسویی دارد. نتایج کمبرا حاکی از این است که دانش آموزان ناشنوی تلفیقی در مدارس اسپانیا با وجود مشکلاتی که در ارتباط با یادگیری داشتند از لحاظ اجتماعی از میزان پذیرش بالایی برخوردار بودند.

در ارتباط با عامل جنسیت در این پژوهش نتایج نشان می‌دهند میزان پذیرش دانش آموزان دارای اختلال شنیداری در گروه پسران (۷۷/۵ درصد بالاتر از متوسط) بسیار بالاتر از گروه دختران (۵۷ درصد بالاتر از متوسط) است. به نظر می‌رسد این یافته با نتایج تحقیق کمبرا (Cambra, 2000) و همچنین با یافته‌های مرتبط از مطالعه کاندون، مری الن و دیگران (Condon, Mary Ellen, and others, 1980) همسویی ندارد. طبق نتایج کمبرا دختران شنوا دیدگاه امیدوارانه تری نسبت به یکپارچه سازی همسالان ناشنوا داشته و تجربه همکلاسی بودن با آنها را تجربه ای مثبت و لذت بخش توصیف نموده‌اند.

یافته‌ها در زمینه تاثیر عامل جنسیت در میزان پذیرش دانش آموزان استثنایی حاکی از این است که بطور کلی پذیرش دانش آموزان پسر به نسبت دختران از وضعیت بهتری برخوردار است (۷۱/۱ درصد و ۵۸ درصد). به نظر می‌رسد که دانش آموزان دختر در پذیرش همسالان خود از معیارهای سخت‌گیرتر و احتمالاً با انعطاف پذیری کمتری استفاده می‌کنند که این خود در میزان پذیرش آنها از دانش آموزان دارای ناتوانی تاثیرگذار می‌باشد.

پژوهش حاضر پدیده پذیرش دانش آموز استثنایی را در مدارس عادی با نمونه محدودتری نیز مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از مقایسه یافته‌ها در این مدارس با مدارس تلفیقی حاکی از این است که بطور کلی میزان پذیرش در مدارس تلفیقی نسبت به مدارس عادی بیشتر است. این نتایج با یافته‌های تحقیقات کاندون، مری الن و دیگران (Condon, Mary Ellen and others, 1980) خانم توکلی (۱۳۷۸)، و خانم کاووسی (۱۳۷۷) همسویی دارد.

برتری میزان پذیرش در مدارس تلفیقی بیانگر این واقعیت است که تجربه تماس و آشنایی با کودک استثنایی به خودی خود می‌تواند بر پذیرفته شدن این دانش آموزان توسط دانش آموزان عادی اثر گذار باشد. محدودیتهای پژوهش حاضر و همچنین خلا موجود در زمینه پژوهشهای مربوط به رویکرد تلفیق و عوامل خاص آموزشی و فرهنگی تاثیر گذار بر موفقیت این تجربه با دانش آموزان ایرانی، ضرورت هر چه بیشتر پژوهشهای آینده را در این زمینه آشکار می‌سازند. بررسی دقیقتر تفاوت‌های جنسی در رابطه با عامل پذیرش، تجربه تلفیق و پذیرش آن توسط کودک استثنایی، پذیرش تجربه تلفیق از سوی اولیا، مسولین و مدرسین مدارس تلفیقی و ویژگیهای رویکردهای مداخله ای مناسب برای افزایش میزان پذیرش از جمله پیشنهادات ممکن برای تحقیقات آینده است.

تقدیر و تشکر:

با تقدیر و تشکر از همکاران جناب آقای دکتر میرزمانی، آقای دکتر هادی بهرامی، جناب آقای داورمنش، سرکار خانم افسانه ناظمی، جناب آقای اکبر عدل و جناب آقای اکبر بیگلریان

منابع

- ۱- توکلی مهین (۱۳۷۸). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دچار نقص شنوایی در سیستم تلفیقی و سیستم مدارس خاص. سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- ۲- کاووسی، شهین (۱۳۷۷). نگرش دانش آموزان عادی نسبت به دوستی با دانش آموزان دارای معلولیت شدید در دبیرستانهای تلفیقی شهر مشهد. سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- 3- Flatch, Patricia B. Education of exceptional children in regular schools. (2000)
- 4- Schwartz, H.D. Further Thoughts on a sociology of acceptance for disabled people social policy. New York: The Social Policy Corporation. (1988).
- 5- Festinger, L. A Theory of social comparison processes. Human Relations. (1954), 7:117-140
- 6- Guskin, S. Social Psychologies of mental deficiencies. In U.R. Ellis (Ed), Handbook of Mental Deficiency. Psychological Theory and Research. (1963), pp:325-352.
- 7- Bandura, A. Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. Psychological Review. (1977) و 84(2):191-215.
- 8- Bowd, A.D. Integration and mainstreaming in cultural context: Canadian and American approaches. International Journal of Disability Developmental and Education. (1992) و 39:1931.
- 9- Cambra, C. Acceptance of deaf students by hearing students in regular classrooms. American Annals of the Deaf. (2002) و 147,1: 38-46